

Siasate motalieh, 7<sup>th</sup> Year, No.25, Summer 2019, pp. 235-256  
DOI: 10.22034/sm.2019.37455

## **Geopolitical Foundations of Progress in the Strategic Plans of the Islamic Republic of Iran (An Analytical-Critical Discussion of the Strategic Outlook of 1404)**

**Yashar Zaki<sup>1</sup>**  
**MohammadReza Faraji<sup>2</sup>**

*1. Assistant Professor, Academic department of Political geography, Tehran university, Tehran, Iran;  
yzaki@ut.ac.ir*

*2. PhD student, Academic department of Political geography, Tehran university, Tehran, Iran  
(Corresponding Author); mrfaraji65@gmail.com*

**Received:** 31 August 2019; **Revised:** 3 September 2019; **Accepted:** 20 September 2019

### **Abstract**

The present study aims to investigate the ratio of geopolitics and progress in 1404 perspective document. Thus, the geopolitical components and considerations, foundations and geopolitical considerations of Iran's strategic environment and its impact on the development of the country have been studied in terms of the Outlook 1404 document. The results of the research, using an analytical-critical approach and the use of relevant documents, showed that for reasons such as disregard for geopolitical variables, incompatibility between national goals and geopolitical realities, single-factor and mostly inner approach toward progress and an unrealistic understanding of geographical capacities and realities, Outlook 1404 lacks geopolitical considerations. Given the fundamental weaknesses (disregarding the geographical and geopolitical considerations) and structural (lack of administrative and executive mechanisms), the expected goals of the prospective document in the 1404 time horizon will not be achieved. Therefore the prospective document will require fundamental revision with a new timeframe.

**Keywords:** Geopolitics, Outlook 1404 Document, Progress, Iran.

## بنیان‌های ژئوپولیتیکای پیشرفت در برنامه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران (بחי تحلیلی - انتقادی در سند راهبردی چشم‌انداز ۱۴۰۴)

یاشار ذکی<sup>۱</sup>

محمد رضا فرجی<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران: yzaki@ut.ac.ir  
۲. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول): mrfaraji65@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۹

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نسبت ژئوپولیتیک و پیشرفت در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بوده و در این راستا، مؤلفه‌ها و ملاحظات ژئوپولیتیک، بنیان‌ها و ملاحظات ژئوپولیتیکای محیط راهبردی ایران و مؤثر در پیشرفت کشور بر اساس چشم‌انداز سند ۱۴۰۴ مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج پژوهش که با اتخاذ رویکرد تحلیلی - انتقادی و با بهره‌گیری از اسناد مرتبط انجام شد، نشان داد، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به دلایلی همچون بی‌توجهی به متغیرهای ژئوپولیتیک، عدم تناسب میان اهداف ملی و واقعیت‌های ژئوپولیتیک، نگاه تک‌عاملی و عمدتاً درونی به مقوله پیشرفت و درک غیرواقع‌بینانه از ظرفیت‌ها و واقعیت‌های جغرافیایی از ملاحظات ژئوپولیتیک بی‌بهره است. با توجه به ضعف بنیادی (بی‌توجهی به ملاحظات جغرافیایی و ژئوپولیتیک) و ساختاری (عدم سازوکار مدیریتی و اجرایی)، اهداف مورد انتظار سند چشم‌انداز در افق زمانی ۱۴۰۴ محقق نخواهد شد. از این رو نیازمند تجدید نظر و بازبینی اساسی و بنیادی در سند چشم‌انداز با بازه زمانی جدید خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: ژئوپولیتیک، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ایران، برنامه‌های پیشرفت.

## مقدمه

اگر پیشرفت یا توسعه را حرکت از «وضع موجود» به «وضع مطلوب» در نظر بگیریم، امری هدفمند، فکری، اجرایی و انتخابی است که توسط کشورها و در چرخه‌ای از روش‌ها، شیوه‌ها و رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به صورت «استراتژی‌های توسعه» پیاده‌سازی می‌شود. در چنین برخوردی است که هرگونه تلاش و تکاپوی کشورها در مسیر توسعه، علاوه بر محیط داخلی آن، متأثر از بازتاب‌ها و کنش‌های بیرونی است. برنامه‌های راهبردی توسعه که چشم‌انداز توسعه کشور را در افق بلندمدت نشان می‌دهد از مواردی است که دو وجه دیالکتیک محیط بیرونی و درونی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، چنین برنامه‌هایی، نه تنها سمت توسعه و چشم‌انداز آتی کشور را در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد، بلکه نوع کشش‌ها و کوشش‌های بازیگران بیرونی را نسبت به خود مورد بررسی و دقت نظر قرار می‌دهد. درک و لحاظ بینش و دانش ژئوپولیتیکی در برنامه‌های راهبردی توسعه، مسیر حرکت چنین برنامه‌هایی را برای رسیدن به افق‌های موردنظر کشور، هموارتر می‌کند. شایان توجه است که با فراآمدن دوران جهانی‌شدن‌ها و انفجار اطلاعاتی و شبکه‌های درهم تنیده اطلاعاتی، تدوین برنامه‌های توسعه و به سرانجام رسیدن آن، دیدی کل‌نگر، همه‌جانبه نگر و سیستمی می‌طلبد. از آنجا که رفتارها و مؤلفه‌های ژئوپولیتیکی بازیگران سیاسی با محور قرار دادن «قدرت» در تکاپوی برتری‌جویی‌ها در سطوح مختلف جغرافیایی است، بنابراین، برنامه‌های راهبردی نیز سرشتی ژئوپولیتیکی به خود می‌گیرند و درک ملاحظات ژئوپولیتیکی برای هر کشوری، یک ضرورت محسوب می‌شود.

مقاله حاضر، با تحلیل و تبیین مؤلفه‌های ژئوپولیتیکی و نسبت آن با پیشرفت در برنامه‌های راهبردی، به تدوین ادبیات جدیدی در این موضوع می‌پردازد و سپس با نگاهی انتقادی به تحلیل محتوای برنامه راهبردی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بر پایه ادبیات مفهومی و نظری پژوهش می‌پردازد.

پژوهش حاضر در مسیر پژوهشی خود، به دنبال پاسخ‌گویی به دو سوال بنیادی است:

۱- آیا در سند راهبردی ۱۴۰۴ مؤلفه‌ها و ملاحظات ژئوپولیتیکی مورد توجه قرار گرفته است؟

۲- بنیان‌ها و ملاحظات ژئوپولیتیک محیط راهبردی ایران و مؤثر در پیشرفت کشور براساس چشم‌انداز سند ۱۴۰۴ کدامند؟

### ژئوپولیتیک

ژئوپولیتیک، لفظ و معنایی جدال برانگیز است که با توجه به سرشت پویای آن در پیوند با زمانه خود، تعریف و مفهوم‌سازی می‌شود. به عبارت دیگر، از آنجا که ژئوپولیتیک محصول زمان خویش است، نمی‌توان تعریف واحد و روشنی را از آن برای همه دوره‌ها بکار گرفت. مشکل دیگر کم‌رنگ بودن این تعاریف، جدال دانشگاهیان و متخصصین جغرافیای سیاسی بر علمی بودن یا نبودن ژئوپولیتیک است. ژئوپولیتیک آن‌گونه که تاریخ دو سده اخیر به ما نشان می‌دهد، عمدتاً هنر و استراتژی قدرت‌ها برای بسط قلمروهای فضایی خود بود است که با انگیزه‌های سرزمینی، نژادی، ناسیونالیستی در فضاها جغرافیایی مشخصی صورت می‌گرفته است. امروزه با فرا آمدن دوران انفجار اطلاعاتی و جغرافیایی‌تر شدن هر روزه پدیده‌های سیاسی، اعتقاد بر آن است که قلمرو مفهومی و معنایی ژئوپولیتیک با دانش جغرافیای سیاسی درهم‌تنیده شده و ژئوپولیتیک می‌رود تا رویه‌ای علمی به خود گیرد. آنچه این درهم‌تنیدگی دو نیم‌بیکر جغرافیایی به ما گوشزد می‌کند، همانا به هم پیوستگی تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های سیاسی در بُعد داخلی و بین‌المللی است، بدین گونه که هر نوع کنش و تصمیم کلان سیاسی در داخل کشور، واکنش‌های فضای بیرونی (منطقه‌ای و جهانی) را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها در صحنه بین‌المللی و محیط بیرونی نیز بر جغرافیای سیاسی داخلی کشور تأثیرگذار است.

تعریف مورد اعتنای پژوهش حاضر از ژئوپولیتیک عبارت است از: «رقابت قدرت‌ها برای برتری‌جویی در سطح منطقه‌ای و یا جهانی بر پایه امکانات و ظرفیت‌های جغرافیایی (اقتباس از مجتهدزاده، ۱۳۸۹)». شایان توجه است که چنین تعریفی، توجیه‌کننده رویکرد کشورها (به عنوان یکی از مظاهر قدرت)، برای ارتقای وزن ژئوپولیتیک خود در سلسله‌مراتب ساختار قدرت منطقه‌ای و جهانی (در رقابت با دیگر بازیگران) است که با بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های جغرافیایی آنها صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، کشورها در راستای رسیدن به پیشرفت و توسعه

مطلوب، اقدام به برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلانی می‌کنند که با پایه تحلیل ظرفیت‌های ملی (محیط داخلی) و ملاحظات منطقه‌ای و جهانی (محیط بیرونی)، چشم‌انداز حرکت کشور را مشخص می‌کنند. از این رو، برنامه‌های کلان پیش‌برنده و ارتقاءدهنده جایگاه یک کشور در نوعی استراتژی جغرافیایی پیگیری می‌شود که تداعی‌کننده آرمان‌ها و اهداف واقعی آن کشور است.

### کد ژئوپولیتیکایی<sup>۱</sup>

شیوه‌ای که در آن، یک کشور جهت‌گیری‌های خود را نسبت به جهان ارائه می‌دهد. هر کشوری در جهان کد ژئوپولیتیکایی خود را با در نظر گرفتن محاسبات پنجگانه زیر معرفی می‌کند:

۱- چه کسانی، متحدان کنونی و بالقوه ما هستند؟

۲- چه کسانی، دشمنان کنونی و بالقوه ما هستند؟

۳- چگونه می‌توانیم متحدان خود را حفظ و متحدان بالقوه را پرورش دهیم؟

۴- چگونه می‌توانیم با دشمنان فعلی و تهدیدات در حال ظهور آنها مقابله کنیم؟

۵- چگونه توجیه‌گر محاسبات فوق برای جامعه خود و جامعه جهانی باشیم؟

(Taylor & Flint, 2000: p. 62).

کد ژئوپولیتیکایی، آن‌گونه که تیلور به ما یادآور می‌شود، گونه‌ای دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور است که در ورای مرزهای خود در ارتباط با دیگران به کار گرفته می‌شود (Taylor, 1994: p. 330). هر کشوری از کد ژئوپولیتیکایی ویژه‌ای برخوردار بوده، اما مقیاس آنها متفاوت است. برای بسیاری از کشورها، مهم‌ترین نگرانی، همسایگان بلافصل آنها هستند: آیا آنها دوستان ما هستند یا دشمنان ما؛ گسترش تجارت یا مقابله قریب‌الوقوع؟ برخی کشورها ادعا

---

1. Geopolitical Code.

می‌کنند که می‌خواهند یک کد ژئوپولیتیکی منطقه‌ای را توسعه دهند تا حوزه نفوذ آنها فراتر از همسایگان بلافصل خود باشد، مانند محاسبات چین برای گسترش نفوذ خود در جنوب شرق آسیا (Taylor & Flint, 2000: p. 91-102) و یا عربستان سعودی در جهان عرب. از این رو می‌توان چنین استدلال کرد که کدهای ژئوپولیتیکی، اساس تدوین استراتژی‌های خرد و کلان و مبنایی برای طرح نقشه عملیاتی مسیرهای آینده و پیش‌روی توسعه در عرصه‌های ملی و فراملی برای هر کشور و بازیگری است. در یک نظام منطقه‌ای اگر کدهای ژئوپولیتیکی کشورهای منطقه در تضاد با اهداف و منافع یکدیگر و در مجموع اهداف و منافع منطقه‌ای تعریف و تدوین شده باشد، به ناچار درگیری و مناقشه میان کشورهای آن منطقه امری بدیهی و حتمی است (حسین‌پور پویان، ۱۳۹۲: ص ۷۹).

### وزن ژئوپولیتیکی<sup>۱</sup>

وزن ژئوپولیتیکی عبارت از شناخت تأثیر عوامل واقعیت‌دهنده قدرت ملی بوده که در مجموع ممکن است اهمیت موقعیت جغرافیایی، انسانی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و دیپلماتیک کشور (یا یک قدرت) را تا آن اندازه بالا برد که آن کشور یا آن قدرت را در معادلات ژئوپولیتیکی جهانی یا منطقه‌ای صاحب نقش کند (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ص ۱۱۱). با چنین تعریفی، وزن ژئوپولیتیکی، رابطه مستقیمی با منزلت ژئوپولیتیکی کشور در سیستم منطقه‌ای و جهانی پیدا می‌کند، بدین معنا که هر اندازه وزن بیشتر باشد، منزلت و اعتبار عمومی کشور میان سایر بازیگران بیشتر می‌شود و هر اندازه اعتبار و منزلت بیشتر افزایش یابد، به همان اندازه فرصت‌های جدید قدرت مرئی یا نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرآیندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و همسایگی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۱۰ - ۱۱۱). شایان توجه است، از آنجا که وزن ژئوپولیتیکی محصول و مولود جمع جبری عوامل قدرت است و برای تعیین سطح و وزن ژئوپولیتیکی هر یک از کشورها، بایستی سطوح قدرت ملی آنها را مورد

---

1. Geopolitical weight.

سنجش و ارزیابی قرار داد که مؤلفه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سرزمینی، نظامی، فرهنگی، علمی و فرامرزی را در برمی‌گیرد (اعظمی، ۱۳۸۵: ص ۱۲۰)، بنابراین می‌توان به اهمیت برنامه‌های راهبردی ملی که مسیر حرکت توسعه همه‌جانبه کشور را در افق بلندمدت نشان می‌دهد، در افزایش وزن ژئوپولیتیک کشور پی برد.

### تعلق (منافع) ژئوپولیتیک<sup>۱</sup>

مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار بوده و از لحاظ کارکردی تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، تعلق ژئوپولیتیک به نوعی، زیربنای علائق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی است که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی هستند که تأمین‌کننده نیازمندی‌های کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، علمی، فناوری، امنیتی، حیثیتی یا زیست‌محیطی می‌باشند و کشور به آنها دلبستگی و علاقه دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۲۰).

بنابراین، از آنجا که منافع و علائق ژئوپولیتیک کشورها به مثابه فرصت‌هایی برای توسعه صلح، همکاری و همچنین ارتقای جایگاه کشور در نظام‌های ژئوپولیتیک منطقه‌ای و جهانی به شمار می‌روند؛ این ضرورت ایجاد می‌شود که کشورها با سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های خردمندانه در برنامه‌های راهبردی خود، بتوانند چنین فرصت‌ها و توانش‌های بالقوه‌ای را در ورای مرزهای خود به فعلیت تبدیل کنند و از آنها در راستای منافع ملی خود بهره‌گیرند. از این رو، غفلت و اهمال در سیاست‌های توسعه‌ای کشور سبب از میان رفتن چنین فرصت‌هایی می‌شود. در چنین وضعیتی دیگر بازیگران سیاسی (رقبا) از چنین مزیت‌های ژئوپولیتیک به نفع منافع ملی خود استفاده می‌کنند.

---

1. Geopolitical Interests.

## وابستگی ژئوپولیتیکی<sup>۱</sup>

وابستگی منافع و اهداف ملی یک کشور به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی دیگر کشورها را وابستگی ژئوپولیتیکی گویند. چنین وضعیتی، نمایان‌گر این واقعیت است که مزیت‌های جغرافیایی کشورها از طیف گسترده‌ای برخوردار است. ضرورت وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان می‌باشد. کشورهای وابسته به مزیت‌های جغرافیایی دیگران در صورتی که فاقد عوامل و مزیت‌های جغرافیایی تعادل‌بخش و متوازن باشند، در موضع ضعف قدرت قرار گرفته و سیاست ملی و خارجی آنها منفعل شده و منافع و اهداف ملی آنها با چالش و تهدید مواجه می‌گردد و منزلت ژئوپولیتیکی آنها در سطح منطقه و جهان کاهش می‌یابد. در نقطه مقابل، کاهش وابستگی و یا ایجاد سازوکارهای توازن‌دهنده و تعادل‌بخش ژئوپولیتیکی می‌تواند قدرت ملی، امنیت ملی، استقلال و توسعه ملی را تضمین کند. از این رو، حکومت‌ها سعی می‌کنند سطح وابستگی ژئوپولیتیکی خود را به دیگران کاهش دهند و در شرایط اجتناب‌ناپذیر از ابزارها و سازوکارهای تعادل‌بخش استفاده نمایند و در نقطه مقابل وابستگی دیگران به خود را افزایش دهند (همان: ص ۱۴۴). شایان توجه است هنگامی که کشوری در موضع برتری ژئوپولیتیکی قرار دارد و دیگر بازیگران را به مزیت‌های جغرافیایی خود وابسته می‌کند، می‌تواند از چنین فرصتی برای تعادل‌بخشی و توازن ژئوپولیتیکی استفاده کند.

### «توازن قوا» یا توازن ژئوپولیتیکی

توازن ژئوپولیتیکی عبارت است از بازی قدرتی که به دنبال زورآزمایی متقابل میان حریفان درگیر در رقابت‌های سیاسی - استراتژیک سرانجام به گونه‌ای از موازنه‌های ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی یا ژئواکونومیکی منجر می‌شود و بهترین تضمین‌کننده صلح و امنیت در جهان و در مناطق مختلف شمرده می‌شود (مجته‌زاده، ۱۳۹۲: ص ۱۱۱). از آنجا که در روابط ژئوپولیتیکی

---

1. Geopolitical Dependency.



کشورها، هر کنشی با اندرکنش‌هایی از سوی رقبا همراه است، بنابراین، انعطاف‌ناپذیری سیاسی در ایجاد توازن ژئوپولیتیکایی برای نیل به اهداف استراتژیک خود، یک ضرورت محسوب می‌شود که در طیفی از تعامل، تقابل، همکاری، سلطه و نفوذ شکل می‌گیرد.

### رابطه ژئوپولیتیک و پیشرفت

به نظر می‌رسد توسعه، مفهومی است که در مقابل تعریف‌شدن، مقاومت می‌کند (Cowen & Shenton, 1996: p. 3). از این رو، اندیشمندان و متخصصین دانشگاهی در جست‌وجو برای تبیین مفهوم پیشرفت و اصطلاح تخصصی آن یعنی توسعه<sup>۱</sup>، از نگرش یکسانی پیروی نمی‌کنند. به گونه‌ای که هر یک از آنها کوشیده‌اند از نگاه رشته تخصصی خود، آن را مفهوم‌سازی کنند. توسعه از هنگام ترویج علمی خود که در فضای پس از جنگ جهانی دوم، هویت یافت، در فرایند تحول مفهومی خود، طیفی از مفاهیم نزدیک مانند ترقی<sup>۲</sup>، رشد<sup>۳</sup>، پیشرفت<sup>۴</sup>، گسترش<sup>۵</sup> و غیره را با خود به همراه داشته است. گرچه هر کدام از این مفاهیم از تعاریف ویژه‌ای برخوردار هستند، اما آنچه در این میان در ادبیات دانشگاهی از مقبولیت بیشتری در مواجهه با برنامه‌های کلان و راهبردی کشور برخوردار است، اصطلاح توسعه می‌باشد. توسعه را عمدتاً حرکت به سمت بهبودی و تغییر شرایط از وضع کنونی به وضع مطلوب تعریف می‌کنند که امری هدفمند، فکری، اجرایی و انتخابی است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ص ۲). به عبارت دیگر، مفهوم پیشرفت، عنصر محوری فلسفه تاریخ مدرن است که براساس آن، نگرش مدرن با نفی الگوی ایستای دیدگاه سنتی در باب تاریخ، معتقد است که انسان عامل و سازنده جهان بوده و از طریق افزایش دانش خود، موفق به کنترل جهان زندگی و طبیعت اطراف می‌شود و آن را در جهت اهداف خود شکل می‌دهد و از این

- 
1. Development.
  2. Progress.
  3. Growth.
  4. Advancement.
  5. Expanding.

طریق، از یک وضعیّت نابالغ و ناآگاه به سوی بلوغ و آگاهی «پیشرفت» می‌کند (قالیباف، ۱۳۸۸: ص ۱۹). با نگاهی اجمالی به ادبیات دانشگاهی در ارتباط با تبیین مفهومی توسعه، مشخص می‌شود که اولاً، توسعه از تعریف و مفهوم‌سازی واحدی برخوردار نیست و ثانیاً، توسعه بر مبنای این که بر چه عواملی تأکید بیشتری دارد، به چهار دسته عمده تفکیک می‌شود:

۱- نظریه‌هایی که اولویّت را به عوامل فرهنگی<sup>۱</sup> می‌دهند؛

۲- نظریه‌هایی که بر عوامل اقتصادی<sup>۲</sup> تأکید بیشتری دارند؛

۳- نظریه‌هایی که برای عوامل سیاسی<sup>۳</sup> اولویّت قائل می‌شوند؛

۴- نظریه‌هایی که بر انفکاک و تخصّصی‌شدن ساختارهای نظام اجتماعی<sup>۴</sup> تمرکز دارند (ازکیا، ۱۳۷۷: ص ۱۸-۲۳).

تأمّل در چنین تقسیم‌بندی، نقص ذاتی در مفروض و یا در سایه قلمداد کردن بُعد مکانی و فضایی توسعه را آشکار می‌سازد. به عبارتی شاید بتوان با در نظر گرفتن احتیاط علمی، یکی از دلایل ابهام در مفهوم توسعه و همچنین نارسایی در تقسیم‌بندی‌های نظری آن را در بی‌توجهی به الگوها و خصیصه‌های جغرافیایی جست‌وجو کرد. بر پایه منطق دانش جغرافیا، فرآیندها (تصمیمات، برنامه‌ها، کالاها، ارتباطات و غیره) به طور مستقیم در نحوه شکل‌گیری فرم‌های جغرافیایی و زندگی مردمان اثرگذار هستند و بالعکس، این فرم‌ها و شرایط خاص جغرافیایی هستند که شیوه‌های خاصی از برنامه‌ریزی‌ها، کنش‌ها، کشش‌ها و کوشش‌ها را دیکته می‌کنند. در چنین برخوردی، شایان توجه است که فضاها و جغرافیایی از پویایی، تنوع و پراکندگی در خصلت‌های طبیعی و انسانی برخوردارند که آنها را از دیگر فضاها و جغرافیایی متمایز می‌سازند. بنابراین، متمایز بودن در الگوها و خصیصه‌های جغرافیایی، شیوه‌های توسعه‌ای بومی و متمایزی را طلب می‌کند. به این اعتبار، توسعه در فرآیند برنامه‌های راهبردی که از سوی کشورها برای تغییر

- 
1. Cultural Development.
  2. Economic Development.
  3. Political Development.
  4. Social development.

وضعیت موجود و رسیدن به وضع مطلوب مد نظر قرار می‌گیرد، از الگوها و خصیصه‌های جغرافیایی ویژه خود پیروی می‌کند. شایان توجه است که در نظر گرفتن چنین الگوها و خصیصه‌های جغرافیایی در یک سیستم باز سیاسی از پویایی برخوردار خواهد بود. در چنین سیستم‌هایی، توسعه هنگامی که در قالب برنامه‌های راهبرد ملی، مورد توجه سیاست‌مداران و حاکمان قرار می‌گیرد، به صورت توأمان، هم ظرفیت‌ها و منابع محیط درونی کشور به عنوان بستر و زیربنای ابعاد توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی)، مورد توجه قرار می‌گیرد و هم شرایط، مقتضیات و الگوها و خصیصه‌های جغرافیایی محیط بیرونی (فراملی) لحاظ می‌شود. درک شرایط و مقتضیات محیط بیرونی مستلزم برخورداری از «دانش و بینش ژئوپولیتیکای» است. از آنجا که در پژوهش حاضر، بیشتر بر خصیصه‌های جغرافیایی محیط بیرونی تأکید شده است و از سوی دیگر، امتداد سیاست‌های توسعه در ورای مرزها و در ارتباط با دیگر بازیگران برای برتری‌جویی در سطوح مقیاس‌های منطقه‌ای و یا جهانی صورت می‌گیرد؛ لذا در ادامه به بررسی تبیینی «نسبت ژئوپولیتیک با پیشرفت» در برنامه‌های راهبردی و اسناد بالادستی پرداخته می‌شود.

### تبیین بنیان‌های ژئوپولیتیکای پیشرفت به واسطه اسناد راهبردی و کلان

از آنجا که اسناد راهبردی و کلان ملی در زمره مبانی و سرچشمه‌های اهداف ملی به شمار می‌روند، پیش از پرداختن به رابطه میان دو متغیر ژئوپولیتیک و پیشرفت، اهداف ملی و ویژگی‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهداف ملی عبارت است از مقصدهای مادی و معنوی که یک ملت برمی‌گزیند و می‌کوشد در بستر زمان و حیات مستمر خود و به محوریت حکومت و نظام سیاسی و با تکیه بر منابع قدرت ملی به آنها نائل آید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۳۱۰). با توجه به چنین تعریفی، اسناد و چشم‌اندازهای راهبردی کشور از ویژگی‌های چندگانه زیر برخوردارند:

- از نظر زمانی در افق بلندمدت پیگیری می‌شوند؛

- از رویکردی واقع‌بینانه (تناسب میان ظرفیت‌ها و امکانات کشور و مقاصد ادعایی) برخوردارند؛

- از نگرشی نو و توسعه‌گرا برخوردارند و دارای ارزش کیفی (مانند عدالت اجتماعی، افزایش

سطح رفاه عمومی شهروندان، آزادی‌های مدنی و غیره) و کمی (تأمین نیازهای اولیه شهروندان مانند مسکن، اشتغال) هستند؛

- دارای دو بُعد مشخص مادی (توسعه اقتصادی) و معنوی (اعتلا و ارزش‌های انسانی، اخلاقی، اجتماعی و ایدئولوژیکی) است.

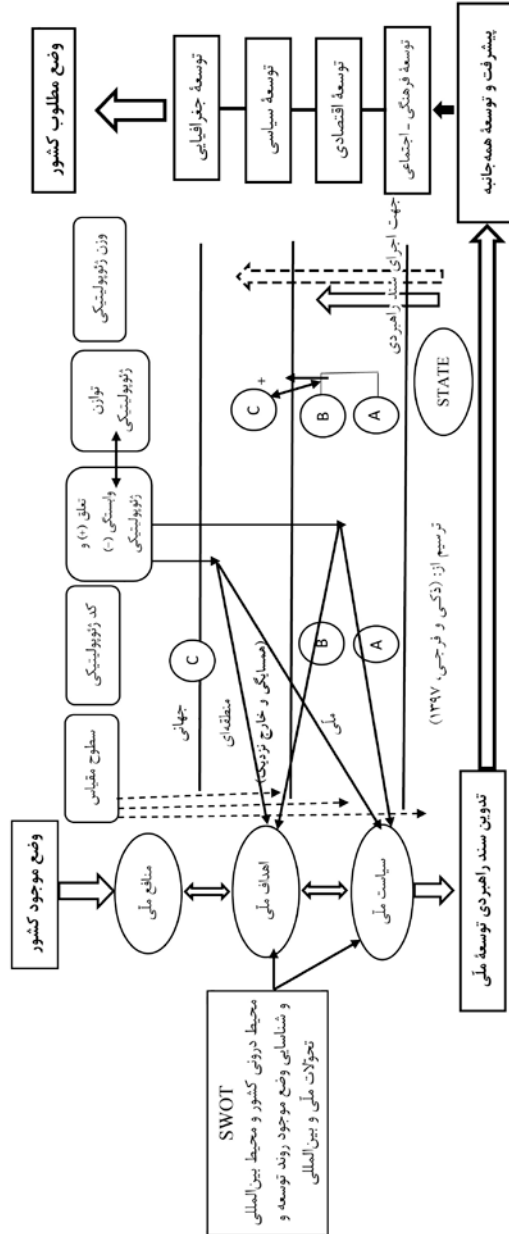
افزون بر ویژگی‌هایی که در بالا بدان اشاره شد، اسناد و برنامه‌های راهبردی که سمت توسعه یک کشور را ترسیم می‌کند از شاخص‌های عمده‌ای هم در داخل کشور و هم در فضای فراملی (به صورتی که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است) برخوردار است.

جدول شماره ۱: شاخص‌های دستیابی به توسعه در برنامه‌های راهبردی و کلان ملی

محیط داخلی	محیط بیرونی
حفظ موجودیت و بقای ملی	ارتقای وزن و جایگاه ژئوپولیتیکی کشور
حفظ ارزش‌های ملی، هویتی، فرهنگی و مذهبی	پیگیری صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی
تأمین عدالت فضایی و عدالت اجتماعی	حفظ و توسعه حقوق ملی در فضای فراملی
تأمین امنیت داخلی و عمومی شهروندان و تنظیم روابط آنان با یکدیگر و با حکومت	افزایش حوزه نفوذ و تأثیرگذاری در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی، ایدئولوژیکی، علمی، فناوری و غیره در سطح منطقه‌ای و جهانی
تأمین نیازهای اساسی شهروندان و ارتقای سطح رفاه عمومی آنان	حفاظت از حیثیت، عزت و پرستیژ ملی
ارتقا و تکامل فکری جامعه و بسترسازی شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های شهروندان	حمایت از تولیدات اقتصادی، افزایش صادرات و ارتباط بهینه اقتصادی در سطح منطقه‌ای و جهانی
حفظ تعادل سیستم‌های انسانی و طبیعی کشور	شناسایی جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی، انسانی کشور به دیگران و توسعه گردشگری

تنظیم از: (ذکی و فرجی با اقتباس از حافظ‌نیا، ۱۳۹۰)

شایان توجه است که ارزش‌ها و ظرفیت‌های جغرافیایی به مثابه توان و قدرت ملی موجود کشور عمل می‌کنند که بر پایه برنامه‌های راهبردی کلان و از طریق بینشی واقع‌بینانه، سیستم سیاسی کشور را به سوی اهداف ملی که همانا توسعه و رسیدن به جایگاه مطلوب باشد، رهنمون می‌کند. با این حال، درک واقع‌بینانه از متغیرهای ژئوپولیتیکی، می‌تواند مسیر رسیدن به اهداف ملی را تسریع کند. در ادامه برخی از چنین متغیرهای تأثیرگذار ژئوپولیتیکی در برنامه‌های کلان راهبردی مورد توجه قرار می‌گیرد.



مدل شماره ۱. نسبت ژئوپولیتیک و پیشرفت در اسناد راهبردی و کلان ملی

ترسیم از: (ذکی و فرجی، ۱۳۹۷)

آن‌چنان که در مدل فوق نیز به‌صورت کلی تبیین شده است، هر سند کلان و راهبردی از دو جنبه نظری و اجرایی برخوردار است که بخش اول، به عنوان شرط لازم و ضروری و بخش دوم به عنوان شرط کافی و عملیاتی سند در نظر گرفته می‌شود. از این رو، مهم‌ترین عواملی که در بخش اجرایی اسناد راهبردی توسعه بایستی مد نظر قرار گیرد، به صورت زیر می‌باشد:

- چگونگی تخصیص و مدیریت منابع ملی؛
- ساختار سازمان اجرای سند؛
- تطبیق میان علقه‌ها و منافع ژئوپولیتیکی با نیازهای راهبردی کشور؛
- شناسایی فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرایی طرح؛
- انعطاف‌پذیری و بازنگری فعال و به هنگام؛
- چیدمان مدیریت انسانی در سطوح مختلف اداری و اجرایی؛
- سیستم نظارت و پالایش؛
- بکارگیری نگرش و دیپلماسی صلح‌گرایانه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- توسعه روابط بین‌المللی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرامرزی؛
- نگاه کل‌نگر، سیستمی و هم‌افزا در اجرای طرح در سطوح مختلف جغرافیایی.

### سند راهبردی و ژئوپولیتیکی چشم‌انداز ۱۴۰۴

سند چشم‌انداز بیست ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴) جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز ایران را در افق ۱۴۰۴ بدین صورت تبیین کرده است:

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی در چشم‌انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه‌یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز، چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

- امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازاری‌اندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب.

- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، شکوفایی یاران و مفتخر به ایرانی بودن.

- دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی.

- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

### بررسی تحلیلی - انتقادی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ از منظر بنیان‌های ژئوپولیتیکی پیشرفت

سند چشم‌انداز بیست ساله ۱۴۰۴ در اهداف کلان و ملی خود، ایران را کشوری می‌داند که از پنج ویژگی راهبردی برخوردار است: توسعه‌یافتگی، دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری

در سطح منطقه، دارای هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام، دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

خصیصه‌های پنج‌گانه سند چشم‌انداز، از نظرگاه منطق ژئوپولیتیک، زمانی قابل درک خواهد بود که ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

### ویژگی اول: توسعه یافته

«توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی». لفظ توسعه در بیانیه کلی فوق، بیش از این‌که پایه واقع‌گرایانه و عینی داشته باشد، رویکردی روبنایی و معنوی به خود گرفته است. به عبارت دیگر، با توجه به این‌که توسعه، سرشتی مادی‌محور دارد، اما نگاه از درون به توسعه و بدون توجه به شرایط و مقتضیات بیرونی (تعلق ژئوپولیتیک، وابستگی‌های ژئوپولیتیک، فرصت‌ها و تهدیدات استراتژیک)، آن را تا سرحد، از ویژگی روبنایی و شعاری پایین آورده و از کارویژه اجرایی برخوردار نیست.

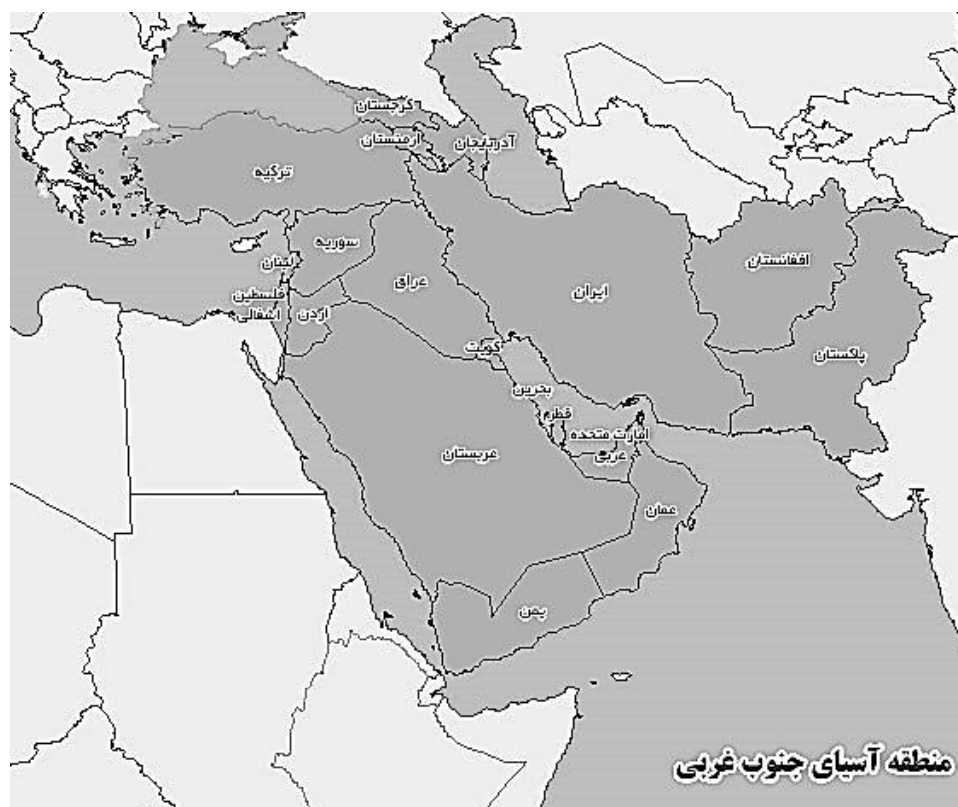
### ویژگی دوم: جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه

بند ششم از ویژگی جامعه ایرانی در سند چشم‌انداز، این ویژگی را چنین تبیین می‌کند: «دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل». این ویژگی که به مثابه منزلت ژئوپولیتیک سند چشم‌انداز قلمداد می‌شود، تعریف مبهمی از منطقه جغرافیایی جنوب غرب آسیا ارائه می‌دهد که بازیگران منطقه‌ای (همسایه و خارج نزدیک) و برخی بازیگران بیرونی را در یک ردیف و هم‌سطح قرار داده است. این در حالی است که منطقه ژئوپولیتیک غرب آسیا ۱۹ کشور مستقل را شامل می‌شود که عبارت است از ایران، ترکیه، سوریه، عراق، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی، عربستان، یمن، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت، پاکستان،



افغانستان، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان.

نقشه شماره ۱: منطقه ژئوپولیتیکی آسیای جنوب غربی



مأخذ: (انجمن ژئوپولیتیک ایران، ۱۳۸۷)

### ویژگی سوّم: هویت اسلامی و انقلابی

«فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی یاران و مفتخر به ایرانی بودن». این ویژگی سوّم، بعد اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی را بر پایه هویت اسلامی و انقلابی ترسیم کرده است؛ شایان توجه است که در ترسیم چنین چشم‌اندازی، هویت ایرانی مد نظر نیست

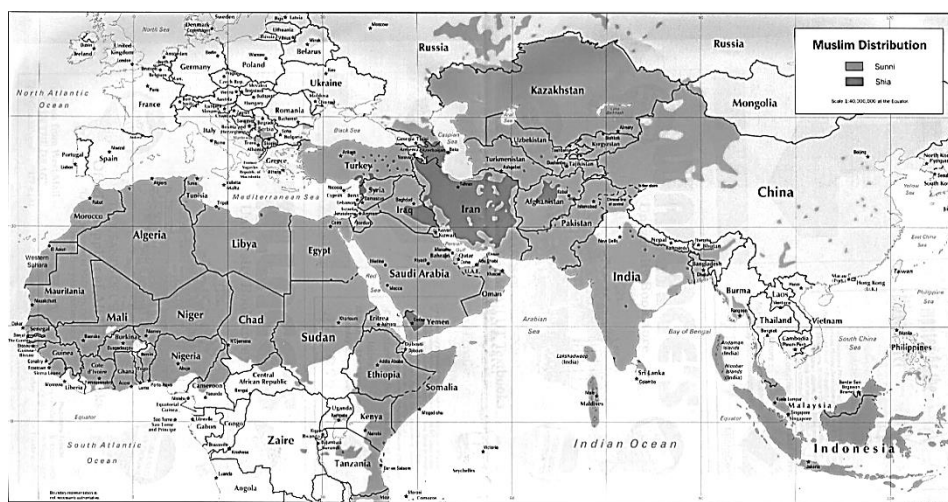
و با دیدی ایدئولوژیکی و انقلابی، صفات جامعه ایرانی را در افق ۱۴۰۴ برمی‌شمارد. افزون بر آن، جمله آخر در توضیح چنین ویژگی‌ای «مفتخر به ایرانی بودن» نیز منبعث از سازگاری با تعهدات انقلابی و اسلامی است. غفلت از هویت ایرانی در گذار اصلی سند چشم‌انداز نیز نمایان است، به گونه‌ای که تنها از هویت اسلامی و انقلابی نام برده شده است. این در حالی است که بر پایه منطق جغرافیای سیاسی، علت وجودی ایران و شرط پایداری و پیشرفت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در تقویت دو بُعد ایرانیّت و اسلامیّت نهفته است.

### ویژگی چهارم: الهام‌بخش در جهان اسلام

تبیین چنین ویژگی‌ای در بند هفتم از سند چشم‌انداز بدین صورت شکل گرفته است: «الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی». سند چشم‌انداز با بیان چنین ویژگی‌ای در تکاپوی الگو و اسوه ژئوپولیتیکی در جامعه‌ای با عنوان جهان اسلام است. سوی دیگر چنین ویژگی‌ای، تأکید بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر پایه تعالیم اسلامی و اندیشه‌های رهبری امام خمینی است. قابل ذکر است که این ویژگی در تبیین خود با نقص ذاتی و آشکار روبه‌رو است، از جمله:

- عدم تناسب علایق ژئوپولیتیکی با ادعای استراتژیکی: بدین صورت که جمهوری اسلامی ایران، حکومتی شیعی به شمار می‌رود و نمی‌تواند در موقعیت‌الگوی و الهام‌بخش بر جامعه متکثر و ناهمگن اسلامی در سراسر جهان قرار گیرد (نقشه شماره ۲). جمهوری اسلامی ایران با اکثریت شیعی، نسبت به شمار مسلمانان سنی کشورهای همسایه یعنی پاکستان، افغانستان، پنج کشور آسیای مرکزی، ترکیه و شش کشور جنوبی خلیج فارس در انزوای محسوس مذهبی قرار دارد (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ص ۳ - ۴۲).

## نقشه شماره ۲. پراکندگی مسلمانان شیعه و سنی در جهان



- تعریف نارسا و ناهمگن جغرافیایی از جهان اسلام: امت اسلامی در گستره ناهمگونی از شمال آفریقا تا شرق آسیا و دیگر نقاط جغرافیایی جهان پراکنده هستند، چنین گزاره‌ای، با اصل مطابقت با واقع در تضاد است. بنابراین، تحقق چنین گزاره‌ای تنها می‌تواند در محدوده همگرایی کشورهای شیعی مذهب و با شرایط خاص فرهنگی و سیاسی آنها پیگیری شود. به عبارت دیگر، موضوع الهام‌بخشی در ایده‌آل‌ترین حالت در بین ۷۰ درصد جمعیت جمهوری آذربایجان و نخجوان، ۶۷ درصد جمعیت بحرین، ۶۲ درصد جمعیت عراق، ۱۵ درصد علویون ترکیه، ۱۵ درصد علوی‌های (نصیریّه) سوریه، ۴۵ درصد زیدی‌های یمن، ۲۰ درصد شیعیان افغانستان و پاکستان و نیز شیعیان اسماعیلی بدخشان و شبه‌قاره، شیعیان یمن و شیعیان نوار ساحلی خلیج فارس امکان‌پذیر است.

## ویژگی پنجم: تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل

آخرین ویژگی مورد اعتنای سند چشم‌انداز «تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزّت، حکمت و مصلحت» است که بیان‌کننده بعد بین‌المللی و فراملی ایران در افق ۱۴۰۴ می‌باشد. تعامل با

کشورهای جهان در چنین گزاره‌ای، در یک سیستم باز و بر مبنای سه اصل عزت، حکمت و مصلحت تعیین شده است. این گزاره، کدهای ژئوپولیتیکی مشخص منطقه‌ای و جهانی را تعیین نمی‌کند. هرچند اصل «عزت» را می‌توان در ادبیات سیاسی بر مبنای منافع و اهداف ملی جست‌وجو کرد، اما دو اصل دیگر (حکمت و مصلحت) از رسایی لازم در تبیین تعامل بین‌المللی برخوردار نیستند. همچنین از منظر ملاحظات ژئوپولیتیکی (کنش، اندرکنش، کشش و کوشش بازیگران و قدرت‌های سیاسی)، گزاره یاد شده می‌تواند در برخی موارد با ویژگی چهارم (الهام‌بخش در جهان اسلام) سند چشم‌انداز در تضاد و تعارض قرار گیرد و واکنش تهاجمی و مقابله‌ای کشورهای غیراسلامی و حتی اسلامی (حکومت‌های سنی مذهب) را در پی داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

با گذشت ۱۲ سال از عمر اجرایی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جامعه ایرانی (در ابعاد مختلف توسعه) با توجه به اهداف سند مذکور با پیشرفت قابل ملاحظه‌ای همراه نبوده است. دلایل این نارسایی با توجه به یافته‌های مقاله حاضر بدین صورت دسته‌بندی می‌شود:

- نگاه یک‌سویه و از درون سند چشم‌انداز به توسعه
- بی‌توجهی به ملاحظات و بنیان‌های ژئوپولیتیکی (علائق ژئوپولیتیکی، توازن ژئوپولیتیکی، عوامل اثرگذار در افزایش وزن ژئوپولیتیکی)
- تعریف کدهای ژئوپولیتیکی نارسا، نامفهوم، تک‌عاملی، و بی‌توجه به مقیاس‌های واقع‌گرایانه جغرافیایی
- عدم تناسب انتظارات ژئوپولیتیکی با واقعیت‌ها و ظرفیت‌های جغرافیایی کشور، یا ناسازگاری محتوای متن با واقعیت‌ها و شرایط درونی و مقتضیات بیرونی
- بی‌بهره بودن سند از انعطاف‌پذیری، پویایی، جامع‌نگری و بازنگری با توجه به ملاحظات پویای ژئوپولیتیکی در سطح منطقه‌ای و جهانی
- کم‌توجهی به عناصر چندگانه گستره و منافع ژئوپولیتیکی ایران در پیرامون بلافصل و خارج نزدیک ایران مانند عوامل فرهنگی، تمدنی، زیست‌محیطی و استراتژیکی

افزون بر موارد فوق، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ از دو مشکل ذاتی رنج می‌برد که با توجه به چنین مشکلاتی، توسعه و پیشرفت در افق مورد نظر، حاصل نخواهد شد:

۱- عدم تطبیق اهداف با واقعیت‌ها یا به عبارت دیگر غیرواقع‌بینانه بودن اهداف چشم‌انداز و به طور خاص اهدافی که ماهیتی فراملی دارند.

۲- سند چشم‌انداز بیست ساله از سازوکار مدیریت منابع و به طور خاص از ساختار اجرایی و مدیریتی مشخصی برخوردار نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، پاسخ سوال اول بی‌بهره بودن سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ از مؤلفه‌ها و ملاحظات ژئوپولیتیکی تأیید می‌گردد و در پاسخ به سوال دوم، این‌گونه استنتاج می‌شود که با توجه به ضعف بنیادی (بی‌توجهی به ملاحظات جغرافیایی و ژئوپولیتیکی) و ساختاری (عدم سازوکار مدیریتی و اجرایی)، اهداف مورد انتظار سند چشم‌انداز در افق زمانی ۱۴۰۴ محقق نخواهد شد. از این رو نیازمند تجدید نظر و بازبینی اساسی و بنیادی در سند چشم‌انداز با بازه زمانی جدید خواهد بود. به نظر می‌رسد، آنچه به عنوان بنیان‌های ژئوپولیتیکی پیشرفت در برنامه‌های راهبردی ضرورت دارد (به صورت پیشنهادی)، به شرح زیر می‌باشد:

- بکارگیری سیاست‌های انعطاف‌پذیر توأم با موازنه ژئوپولیتیکی؛

- تطابق منافع و ارزش‌های ملی با اهداف ملی؛

- تناسب اهداف با واقعیت‌های ژئوپولیتیکی منطقه و جهان (واقع‌گرایی اهداف)؛

- بکارگیری سیاست‌هایی برای به فعلیت رساندن علایق و ارزش‌های ژئوپولیتیکی (هم‌تکمیلی

ارزش‌ها)؛

- نگاه همه‌جانبه، کل‌نگر و هم‌افزا به اهداف ملی و متغیرهای ژئوپولیتیکی برای دستیابی به

افزایش وزن ژئوپولیتیکی در سطح منطقه‌ای؛

- تبیین کدهای ژئوپولیتیکی واقع‌بینانه با دو رویکرد ایرانی و اسلامی؛

- تبیین نقش ملت به عنوان یکی از عناصر ژئوپولیتیکی هم‌افزا و فعال در سند راهبرد ملی؛

- ایجاد سازوکار مدیریتی و اجرایی سند راهبردی.

## منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: مؤسسه نشر قلم.
۲. اعظمی، هادی (۱۳۸۵). وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا). ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم: ص ۱۵۴-۱۱۹.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: پاپلی.
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). جزوه کلاسی درس جغرافیا و راهبرد ملی (مقطع کارشناسی ارشد). گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۵. حسین‌پور پویان، رضا (۱۳۹۲). تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در مناطق ژئوپلیتیکی. ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره دوم: ص ۲۰۳-۱۶۱.
۶. قالیباف، محمدباقر (۱۳۸۸). ایران و دولت توسعه‌گرا. تهران: وزارت امور خارجه.
۷. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۹۴). جغرافیا نخست در خدمت صلح (نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان). تهران: انتخاب.
۸. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: سمت.
۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲). فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک. تهران: سمت.
۱۰. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی ایران (دوران معاصر). تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. نقشه منطقه ژئوپلیتیکی آسیای جنوب غربی (۱۳۸۷). تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۸/۱۵. قابل دسترس در:

<http://www.iag.ir>

12. Cowen, Michael & Shenton, Robert W. (1996). **Doctorines of Development**. London: Routledge.
13. Flint, Colin & Taylor, Peter J. (2000). **Political Geography: World-economy, Nation-state, and Locality**. Harlow: Prentice Hall, Fourth Edition.
14. Taylor, Peter J. (1994). **Political Geography**. England: Longman Scientific & Geography.